

سیاوش خوانی

[فیلمنامه]

و

نیز برای اجرای زنده در توس فردوسی
و میدان‌های بزرگ همه‌ی روستاها
و پهنه‌ی میان چادرهای همه‌ی ایل‌ها

بلام‌بضاعت

انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

هنگامه‌دار و هنگامه‌سازان و هنگامه‌یاران:

نخشب . فیروز . تکل . شروین . روین خانم . مُشکان خانم . خاورخانم .

ماننده‌خوانان:

● زنان و بستگانشان

می‌بو: مادر سیاوش [نوهی گرسیوز؟]. خُرّم خانم [یکی از بستگانش]

هممه‌ور . وجین‌کار . ناوه‌کش . اویار [خواستگاران]

رخسار: سودابه . بردی [شوهرش]

جهان خانم: کنیز سودابه

زیبا خانم: دختر سودابه . نوشاد خانم: خواهر سیاوش [هر دو خاموش]

مهستی: گلشهر همسر پیران [فریان]

آی دُخت: فریور خواهر پیران و پیلسم

مشک‌مو: فریگیس دختر افراسیاب . هرکی‌باش خان [پدرش]

چمان خانم [مادرش]. برخی [شوهر آینده‌اش]

● تورانیان

قیرات خان: افراسیاب . همسر و فرزندانش

ایلک خان: گرسیوز

قبراق خان: دمور . تاراج خان [پدرش]

اروج خان: گروهی زره . شیدرخان [پدرش]

آستار خان: سپهرم

ایاز خان: بارمان

چخماق خان: لهاک

چگل خان: شیدورد

ترخان‌بای: شیده

بیوک خان: پیران [فریان]

شییک خان: پیلسم [فری‌سان برادر پیران]

شبان: فریبود

بیشه . روز . بیرون جای

تبری به درختی خشکیده می خورد و درختِ واژگون می شکند. چند تن پشته‌ی هیزم می سازند. خارکنان خار می کنند؛ چند تن پشته‌ی خار پشته می کنند.

خانه‌ی اربابی قیرات . روز . توجای

قیرات خان سربرمی دارد و می نگرد؛ خشمگین —

قیرات نه!

هنگامه دار که نامش نخشب است و کمکش تکل، که در برابر او بر زمین نشسته‌اند سربرمی دارند و می شنوند. قیرات دنبال حرفش را می گیرد؛ همسر و بچه‌هایش در زمینه.

قیرات کار رسیده جایی که یاسان کاووس باشد و قیرات خان